

رقابت در سر سپردگی

برگزاری اجلاس هیئت کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) در روزهای ۲۴ و ۲۵ آرماد در دو حوضه پایتخت قطر، و تشدید اختلافات مابین کشورهای عضو اوپک که منجر به تعیین قیمتی دوگانه برای نفت گردید...

افزایش چند باره بهای نفت در سال ۱۹۷۳ که در آغاز پشامی حرکتی عادلانه از سوی دولت لیبی و بر علیه شرکت های نفت خوار آمریکا و بویژه شرکت اسکید نتال آغاز گردید تا امروزه که بیش از سه سال از آخرین افزایش قابل توجه بهای نفت (در دسامبر ۱۹۷۲) میگذرد...

تأثیری که مربوط به داخل آمریکا می باشد، مطرح نیکسون نام برنامه "حفظ ذخیره انرژی" بخود گرد...

فکته که بنا بر قیمت بالای نفت میباید اکتشاف و تولید منابع دیگر انرژی را در مقایسه با نفت سودمند نماید...

باقی مانده است، سقوط نیکسون به حقیقت نذلت که پیشک بی ارتباط با اختلاف بر سر سیاست نفتی و سیاسی است...

باقی مانده و تنها از سوی برخی کمیته های مستقل جزیی اسکید نتال و برخی کمیته های نوخاسته سرمایه ی مالی نگرازم دنبال شد...

باقی مانده است، سوزش موقت بخش بزرگی از سرمایه های مالی آمریکا در توافق بر سر گرانت و بریز چندی و بهبود اقتصاد آمریکا که همین جرمی پیش از سوی دولت آمریکا اعلام شده است...

باقی مانده است، سوزش موقت بخش بزرگی از سرمایه های مالی آمریکا را میطلبند...

باقی مانده است، سوزش موقت بخش بزرگی از سرمایه های مالی آمریکا را میطلبند...

با قیمتی برابر با بهای نفت لیبی به بازار عرضه کردند و از این راه آنچنان سود هنگفتی بجیب زدند که نه تنها آن زمان و نه تا کنون تاریخ ننگین امپریالیسم بیساز داشته است...

بهر حال امروزه دیگر پس از برکناری نیکسون، مشکلات و مدارک بشمارای در اشیاء توافق حکومت وقت آمریکا با افزایش قیمت نفت (پس از اقامه لیبی) و جلوگیری از حرکت متحدان امپریالیست ها در مقابل این حرکت انتشار یافته اند...

تأثیری که مربوط به داخل آمریکا می باشد، مطرح نیکسون نام برنامه "حفظ ذخیره انرژی" بخود گرد...

فکته که بنا بر قیمت بالای نفت میباید اکتشاف و تولید منابع دیگر انرژی را در مقایسه با نفت سودمند نماید...

باقی مانده است، سقوط نیکسون به حقیقت نذلت که پیشک بی ارتباط با اختلاف بر سر سیاست نفتی و سیاسی است...

باقی مانده و تنها از سوی برخی کمیته های مستقل جزیی اسکید نتال و برخی کمیته های نوخاسته سرمایه ی مالی نگرازم دنبال شد...

باقی مانده است، سوزش موقت بخش بزرگی از سرمایه های مالی آمریکا را میطلبند...

باقی مانده است، سوزش موقت بخش بزرگی از سرمایه های مالی آمریکا را میطلبند...

باقی مانده است، سوزش موقت بخش بزرگی از سرمایه های مالی آمریکا را میطلبند...

به ماه آوریل موقوف کرده است. اما هم اکنون در راه تدوین این سیاست، جناحهای مختلف امپریالیسم آمریکا در مبارزه و کشاکش و به دستنهادن در جریان...

تقابلی نو بر چهره های قدیمی سرانجام امپریالیسم آمریکا، با برگزاری یک کنفرانس در فرانسه...

تقابلی نو بر چهره های قدیمی سرانجام امپریالیسم آمریکا، با برگزاری یک کنفرانس در فرانسه...

تقابلی نو بر چهره های قدیمی سرانجام امپریالیسم آمریکا، با برگزاری یک کنفرانس در فرانسه...

تقابلی نو بر چهره های قدیمی سرانجام امپریالیسم آمریکا، با برگزاری یک کنفرانس در فرانسه...

تقابلی نو بر چهره های قدیمی سرانجام امپریالیسم آمریکا، با برگزاری یک کنفرانس در فرانسه...

تقابلی نو بر چهره های قدیمی سرانجام امپریالیسم آمریکا، با برگزاری یک کنفرانس در فرانسه...

تقابلی نو بر چهره های قدیمی سرانجام امپریالیسم آمریکا، با برگزاری یک کنفرانس در فرانسه...

آویزان شود تا تاریخ را بنفع خود بکشد بازگرداند! در تابنده، فیلیپین، برمه، اندونزی، تئیمور، شمال غربی و شرقی و جنوب آفریقا...

تقابلی نو بر چهره های قدیمی سرانجام امپریالیسم آمریکا، با برگزاری یک کنفرانس در فرانسه...

تقابلی نو بر چهره های قدیمی سرانجام امپریالیسم آمریکا، با برگزاری یک کنفرانس در فرانسه...

تقابلی نو بر چهره های قدیمی سرانجام امپریالیسم آمریکا، با برگزاری یک کنفرانس در فرانسه...

تقابلی نو بر چهره های قدیمی سرانجام امپریالیسم آمریکا، با برگزاری یک کنفرانس در فرانسه...

تقابلی نو بر چهره های قدیمی سرانجام امپریالیسم آمریکا، با برگزاری یک کنفرانس در فرانسه...

تقابلی نو بر چهره های قدیمی سرانجام امپریالیسم آمریکا، با برگزاری یک کنفرانس در فرانسه...

تقابلی نو بر چهره های قدیمی سرانجام امپریالیسم آمریکا، با برگزاری یک کنفرانس در فرانسه...

تقابلی نو بر چهره های قدیمی سرانجام امپریالیسم آمریکا، با برگزاری یک کنفرانس در فرانسه...

تقابلی نو بر چهره های قدیمی سرانجام امپریالیسم آمریکا، با برگزاری یک کنفرانس در فرانسه...

رفایت در...

امروزه اهمیت بیش از گذشته برای کمپانیهای بزرگ نفتی یافته است و بویژه کمپانی عظیم امریکائیس (اکران) - موبیل - تکزاکو - گالف - استاند ارد کالفر - (نیا) از قدرتگیری برخی کمپانیهای مستقل که به سرمایه گذاری در منابع انرژی امریکا اشتغال دارند بینامدند و خواهان امکاناتی هستند که بتوانند قدرت انحصاری گذشته را باز یابند و قیمتارابه کنترل خود در آورند و اینست که همه روزه صفحات نشریاتی چون وال استریت جورنال شاهد آگهیهای این شرکتهاست منظر تقاضای رفع کنترل بهای گاز طبیعی در داخل امریکاست. آنچه که امروزه در امریکاست انوار بحران گاز طبیعی گریبانگیر مردم شده است بیش از آنکه ناشی از نلیه طبیعی سرمایه‌گذار متج است سیاست‌های ناهنجار کمپانیهاست که عرضه را محدود نموده اند و طرف در دو سال اخیرند خیره گاز طبیعی امریکای ۲۰٪ کاهش داده اند تا با اعمال فشار به خواست خود دست یابند و جناحهای رقیب را به تابعیت وادار سازند. اهمیت بازار داخلی بویژه از آن نظر نیز حائز اهمیت است که مطابق گزارش سالانه ۲۰۰۰ کمپانی نفتی امریکایی که در عرض چهار هفته پیش منشر شده اند، شرکتیهای نفتی در برگیرند از اینکه در امریکای خود بپردازند و در امریکای خارجی توزیع و بازاریابی سود می‌برند و دیگر اینکه این گزارشها بیان میکنند که نرخ افزایش سود کمپانیهای نفتی از معاملات داخلی در امریکای مراتب بیش از معاملات بین‌المللی است و حتی در مورد برخی از این کمپانیها برای اولین بار رقم مطلق سودشان در داخل بحرانبیش از معاملات بین‌المللی بوده است کاهش بهای نفت و یابد اقل تثبیت آن باتوجه به زمینه اصلی سود نری کمپانیهای بزرگ نفتی (پالایش - توزیع و بازاریابی) نمیتواند مورد توجه کمپانیهای عضو کارتل نباشد. چرا که آنها در عرضی بین‌المللی توزیع را کنترل میکنند و با موقعیت انحصاری خود میتوانند قیمت‌ها را به دلخواه تعیین کنند و با کاهش پولی که برای خرید نفت میبرند، سود خود را افزایش دهند. در داخل امریکای بهای پایین تر نفت وارداتی که در کنترل کمپانیهای بزرگ عضو کارتل است، موازنه‌ی رقابت‌ها را با تولید داخلی (بویژه تولید تا ماسه های آفشده به نفت و منابع کنار ساحل که هزینه تولید بالایی دارند) بفتح آنها تغییر داده و حرکتی است در جهت بازیابی موضع انحصاری سابق. حال آنکه بسیاری از کمپانیهای مستقل نفتی در امریکای کماکان خواهان افزایش بهای نفت اوک هستند تا بتوانند سرمایه گذاری در اکتشافات جدید را محدود نمایند و این توجیه رقابت با کمپانیهای عضو کارتل گردند. با تمام این نوسانات، مسأله در در امریکای هنوز حل نشده است و نفت اوک هم در دولت کاترو هم کمپانیهای بین‌المللی نفت خواهان کاهش قیمت نفت اوک (حد اقل بمعنی تثبیت آن که در مقابل رشد تورم در واقع بمعنای کاهش واقعی بهای نفت) هستند و آنرا نیز از دهان زگی بیانی بیان میکنند ولی بحران گاز طبیعی در امریکای اولین آزمون برای دست و پنجه نرم کردن جناحهای مختلف سرمایه‌های مالی امریکاست که میخواهند سیاست نفتی دولت جدید را به نفع نمایند.

کالیفرنیا (سیاست) بعد از ۱ میلیون بشکه در روز - ششما (پسی ۵۰۰ هزار بشکه در روز) بین کمپانی بزرگ اروپایی شل (انگلیسی - هلندی) ، بریتیش پترولیوم، CFP (فرانسوی) و ENI (ایتالیایی) تقسیم خواهد شد و علاوه بر سفر اخیر ویسکار ستن رئیس جمهور فرانسه به عربستان سعودی، نه تنها قرار داد سابق سه ساله خرید نفت، تمدید گردید بلکه مقدار آن نیز افزایش یافت که این نفت نیز به کمپانیهای فرانسوی ENI و CFP تعلق خواهد گرفت و پیشکش توافق امریکانیزد نفتی در مقابل سریع این معامله در خیل بوده است. در ضمن نشریات بیرونی هم جا صحبت از کوششهای کارتر جهت فعال کردن نژاد - نسبین المللی انرژی در مقابل بانکهای صادر کننده نفت مینماید. و علاوه بر آن نژاد نیز که ظاهرآ موافق افزایش ۱۰ درصد بهای نفت بود، بهای نفت خود را بیش از ۲۰ درصد برای ژاپن که خریدار اصلی نفتی است افزایش داد که این مسأله نیز بسیار کوچکترین مخالفتی از سوی دولت امریکا مواجه نبود. بهر حال بخشی از سیاست امریکای مجموع و سیاست نفتی اش بطور اخص متوجه جلب اطمینان مجدد امریکاییستهای اروپای باختری و ژاپن در تحت لاسوی نجات از بحران بطور دسته جمعی است که از یکسو ایجاد بلوکی در مقابل شوروی است و از سوی دیگر در مقابل برخی از کشورهای تحت ستاد که خواهان برقراری قیمت‌های عادلانه ای برای مواد خام کشورهای خود هستند. (روشن است که کشورهای کاملاً وابسته به امریکایس و سگهای زنجیری ارتجاع بین‌المللی چون ایران در میان این کشورها نیستند) این برنامه برتر است که در مقابل سیاست نقلی امریکای در زمان نیکسون است اگرچه در کوتاه مدت، اما در مدت زمانی دراز تر هرگز قادر به پوشاندن تضاد های ذاتی بین کشورهای معظم امریکالیستی نخواهد بود و بری نخواهد آید که بویژه در دوران کنونی جهان سرمایه داری این تضاد ها در سطح وسیعتر و بازرگانی شدنی تر سرخا خواهند نمود.

۳- آنچه که بظاهرا از نتایج کنفرانس دوچه بر میآید و نشریات بیرونی نیز همین ظاهرا می بینند و همان را میگویند، فشار اصلی منتج از دوگانه بودن بهای نفت متوجه آن رشته از کشورهای است که تولید کننده نفت سنگین هستند چون عراق (۵۰ درصد از تولیدش) و کویت (۱۰ درصد از تولیدش) این گرچه بیان بخشی از واقعیت کنونی است ولی تئوری و نظاره عمق برنامه و سیاست نفتی امریکالیسم در آینده نیست و نمیتواند هم باشد. این درست است که امریکالیسم امریکا فشار اصلی را از طریق مجری این باره برنامه های پیش عربستان سعودی (مطابق برخی گزارشهای منتشر شده در نشریات بیرونی) نقض عربستان سعودی در نشست با اینک سفیر سابق امریکا در عربستان، پیش از کنفرانس دوچه تعیین شده بود. اکنون در مقاله ای که پیش از کنفرانس دوچه منتشر کرده است برنامه‌ی چگونگی تثبیت بهای نفت را برای حد اقل ۱۰ سال آینده مطرح میکند (از راه کاهش بهای نفت سنگین اعمال نموده است، اما بهر حال فعلا جز این نمیتوانست کاری نماید چرا که تقاضای برای سبک (یعنی با مقدر اسولوفورکم) در بازار جهانی به گونه ایست که تولید کنندگان اصلی آن بهای نیی مانند الجزایر و نیجریه و... از یافتن شترتی بازی می مانند لیکن روشن است که بهر حال آماج اصلی حمله امریکالیسم در درون اوک متوجه عوامل اصلی حیات این سازان یعنی کشورهای چون لیبی است که این بار نیز خواهان افزایش بهای تا ۲۵٪ و بیشتر بودند. کشورهای ارتجاعی چون ایران و عربستان چه در کنفرانس دوچه و چه در موارد گذشته، همواره در مقابله با این جناح متفق بوده اند و هر یک تحت عنوان "میانه رو" بودن خود میگویند خدمت بیشترش را به امریکالیسم به نیت اربابان برسانند. آنچه که امروزه بمنظور فشار بر روی این رشته از کشورهای مترقی درون اوک از سوی امریکالیسم امریکا طلب میشود، اتحاد جناح مترجع درون اوک بدو رهبری واحد (این بار عربستان ونه ایران) و بدو برنامه ای مشترک است تا در آینده بتوانند طرح تثبیت قیمت نفت (یا حتی شود کاهش بهای آنرا) که همیشه مرکزی سیاست امریکا جهت با اصطلاح نجات از بحران و متحد کردن اروپا و ژاپن با خود است با موفقیت پیاده نمایند. فشار امروزی بروی ایران و نیز شدید رقابت بیسن ایران و عربستان را میباید بر این زمینه ارزیابی نمود (فشار بر عراق و کویت را میباید از زاویه ایچسداد نزدیکی با امریکا و تضعیف جناحهای طرفدار روس-

سیال امریکالیسم در درون این کشورها بررسی نمود). ایران و عربستان، این دو غلام حلقه بخش امریکالیسم امریکا، سر به آخوهای مختلفی در درون جناحهای امریکالیستی امریکای اردن و خواهی نخواهی با تغییر و تبدیل موازنه‌ی قدرت در بین این جناحها، منازعات بین ایران و عربستان که در عین حال هر یک میکوشد خود را نوکری وفادار تر و سگ وفادار تر نشان دهد نیز بالا میگرد. سیاست امروزی دولت کارتر بمعنا ی برخی تغییرات در رفتار و رفتاری است که در منطقه آسیای نیکسون به وفادارترین نوکر خود، شاه، محول شده بود. مقاومت امروزی رژیم ارتجاعی ایران و ایما و اشاراتش با امریکالیسم روس جهت کسب امتیاز بیشتر از امریکای پارس سگ پاسانی میماند که با تغییر ارباب در آغاز سرکشی مینماید و عموماً دوستی تا شاید استخوانی بزرگتر به نداشتن گذاردند و سگ بیشتر به سرگوشش کنند. رژیم ارتجاعی شاه هرگز هیچ گونه سیاست مستقلی نداشته و نمیتواند هم داشته باشد سیاست نفتی شاه در درون اوک و دست‌های افزایش قیمت نفت و ملی کردن نفت همه و همه برنامه های دیکته شده در امریکالیسم امریکای بیو طرح های هارتین جناحهای این امریکالیسم بود هاند که شباهت ارباب بلاواسطه شاه اروپا به بازی و امید آرد. نوسانی رویش این مسأله را در زمان ریاست جمهوری نیکسون شاهد بودیم. برای سگی وابسته چون شاه، حتی امکان اینکه مستقل‌الایس نماید وجود نیست و همواره این پارس کرد نه ارباب میاید چون بزواک فریاد جناحهایی در درون امریکالیسم امریکای مخالفت با سیاست حاکم در نظر گرفت. امروزه نیز چنانکه گفتیم این مخالفت‌ها شاهانیش توانی حمایت برخی جناحهای سرمایه‌های مالی امریکا (که کنترل کمپانیهای بزرگ نفتی مستقل را در اختیار دارند و یا برخی صاحبان اصلی صنایع نظامی امریکا هستند که از افزایش بهای نفت اوک مستفاد میگرد) میبرند. در مقابل است و بساز در بری نخواهد آید که با غلبه سیاست نفتی جناح های حاکم کنونی در امریکا، این مقاومت‌های شاه نیز جای خود را به اطاعتی وفادارانه خواهد بخشید. هم چنانکه این مسأله را در آغاز روی کار آمدن نیکسون مشاهده بودیم و باز شاهد بودیم که برای نوکری نشاند و چون شاه نخواهد بالکل از مقام نوکری خلع شود، راهی جز تسلیم بلا شرط در مقابل ارباب جدید و سیاست جدید حاکم بر امریکالیسم امریکاست باقی نماند و این بار نیز در مقابل سیاست نفتی جدید امریکای جز این راهی برای امریکالیسم امریکایی باقی نخواهد ماند. گویا که این معنای عدم اجرای تعهداتی است که امریکای از ایران نیکسون بوی قبول داده بود و بمعنای پایان پایه سرافت‌های خود ستا یانه و وابستگی از روزه اند و قدرت تطبیح است. لزوم اطاعت امریکای عربستان سعودی پیشکام برای شاه که در برخورد با اعلام شامری یک امریکالیسم امریکایی - کند ارد و همه جاهم با صدای بلند اعلام مینماید، سخت‌گرا می آید. اما برای یک عنصر وامانده که در ادامی حیاتش به اشاری ارباب بستگی دارد، راه دیگری نیست. هم امروز نیز هنوز زندگی از تظاهر مقاومت در مقابل سیاست جدید نگذشته است که شاه در مصاحبه با خبرنگار کویتی آمادگی خود را برای سازش با عربستان اعلام میدارد. اما امریکایی بریکر رژیم ایران در این کوتاه مدت بیش از آنکه ناشی از تغییرات اقتصادی تفاوت ۵٪ در بهای نفت باشد (که رژیم بسیار بزرگتر از واقع اعلامش میکند تا لاریاب را نرمتر کند و حق الزحمه خود را افزایش دهد) منتج از ضرر - از دست دادن مقام رهبری در منطقه و لزوم اجباری نقش درجه دوم در مقابل عربستان است. چرا که تا آنجا که مربوط باوضاع اقتصاد است، نخست اینکه رژیم ارتجاعی ایران تمام سال گذشته نفع‌براه بهانه های مختلف: تخفیف و مسامله ای پایاپای نفست در مقابل اسلحه وغیره، به بهای بسیار ارزاتر از قیمت تعیین شده اوک به مشتریان امریکالیستی مفروخت (بعنوان مثال در زمان لیبی پایاپای نفت در مقابل اسلحه با شرکتیهای بریتیش از کرافت و شل، نفت با دربار تخفیف بهر یک از طرف مقابل معامله بابهاست که حد اقل ۱۰ سنت از قیمت تعیین شده اوک کمتر بود در اختیار کمپانی شل قرار میگرد. در دیگر اینکه از او خراسال گذشته و پاروش شدن نیکون کارتر بر سر کار خواهد آمد، کوشش کمپانیهای نفتی مصروف از - دیاد خرید نفت از شرکت ملی نفت ایران بود تا با اصطلاح تحت عنوان ذخیره کردن نفت در امریکا از سنگینی فشار بر ایران بکاهند و هم‌اکنون نیز چنین تضمین فشار بر ایران بکاهند و هم‌اکنون نیز چنین تضمین خریدی از سوی کارتر به ایران داده میشود) مطابق

گزارش هرالد تریبون ۱۰ فوریه ۱۹۷۷، تولید نفت ایران بدلیل افزایش تقاضای خرید، در واسط بهمن ماه دوباره روبه افزایش نهاد است) و خود رژیم ارتجاعی شاه نیز در گذر ماه گذشته مفروانه اسلحه داشت که بعنت افزایش فروش نفت، ۳ بیلیون دلار کسری پیش‌بینی شده در موازنه تجارتی به سه یک بیلیون دلار مازاد تغییر یافته است و مهمتر از همه اینکه بحران اقتصادی ایران ابعاد ی مراتب عمیق تر و ریشه‌های تراز این دارد که بتوان همه را بیکباره به گردن ۵٪ تفاوت بهای نفت و آنهم فقط در ظرف سه هفته انداخت و اگر هم کاهش در آمد نفت در دراز مدت اثرات بسیار شدیدی بر خرابتر کردن اوضاع اقتصادی ایران داشته باشد که خواهد داشت، در ظرف سه هفته و یک ماه چنین نخواهد بود. اما آن طرفه فعلا مورد نظر سیاست‌های نفتی است که میباید در آینده و بخاطر سیاست امریکا (در رفع بحران و نزدیکی با اروپا و... که در قبل بدان اشاره رفت) از سیو رژیم ایران بد پرته شود و برخی برنامه های طرح شد در سیاست نیکسون بدلیل محدودیت‌های کنونی سیو کاهش در آمد نفت - خروج ارتش ایران از عمان بسوا افزایش نفوذ عربستان در منطقه وغیره) - اما هم‌اکنون نیز امریکا در مورد افزایش نفوذ عربستان نظری روش - ابراز کرده است که این برخلاف نظرات نیکسون و همچنین چینگیستگر است. رژیم عربستان هم بدلیل ثبات بیشترش از رژیم متزلزل و ورشکسته ایران و هم بدلیل رلی که قادر است در نیای عرب بخوابی جانشین مصر در ایفای نقش رهبری ایفانماید بر رژیم ایران بسترسازد و این در سیاست کنونی امریکای که خواهان تثبیت نفوذ خود در نیای عرب و تأمین سیادت است، سخ حائز اهمیت است و تمام چند ماه گذشته نیز شاهد افزایش مانورها و فعالیت‌های عربستان سعودی بود چه در واقعیتی لبنان که عربستان عد ترین پشتیبان و محرک اقدامات جنایتکارانه رژیم خائن اسد بود، چه در برگزاری کنفرانس ریاض تحت عنوان پایان "سردگمی" در لبنان، چه در نزدیکی در پیلما تیک با مصر جنوبی و چه در وساطت بین عراق و کویت، و عراق و سو ریه منظور حل اختلافات آنها، چه در تقویت و حما یات از دول مترجع مصر و لیبی و سودان و چه در ترمو شش جهت منفرد نمودن سوئی و... در عربستان که بلیت ارتجاعی خود را در ایفای وظیفه ای که بهر حال رژیم ارتجاعی شاه بدلیل خارج بودن از دنیا و عرب قادر به ایفایش نیست، نشان داده است. همه اینها وهم اینکه بهر حال دولت کنونی کارتر سیاست بازگرداندن دلارهای نفتی را از طریق خرید اسلحه و کمک مستقیم به کشورهای امریکالیستی و کشورهای وابسته با امریکا نمی پسندد و ترجیح میدهد مستقماً از طریق کاهش بهای مواد خام خود را با پول را اختیار بگیرد و برع بر بحران خود (و حد اقل بظاه بهراره اروپای غربی و ژاپن) بکوشد، باعث میشود که گرچه نفت ایران بخوابی زاند ارم منطقه حفظ شود اما تغییراتی در این سیاست بفتح افزایش نقش و نفوذ عربستان سعودی حاصل شوند. این خود مسأله ایست که تضاد این نوکران دست نشانده را در جوب مناسبات امریکالیستی و در حد و حدود وظایف و بهای وابستگی به جهان سرمایه داری بهر حال نشد مینماید و هر یک را به مانور فعالیت میکشاند.

اگر خواسته باشیم آنچه راکه تاکنون بسیار فشرده و اجمالی گفته ایم خلاصه کنیم، باید بگوییم که کنفرانس دوچه در حقیقت سرقاق پیاده شدن سیاست جدید امریکالیسم امریکا از سوی عربستان سعودی است که ضمن با توافق کمپانیهای بزرگ عضو کارتر - بین المللی نفت نیز همراه است. سیاستی که از طره کاهش بهای نفت، بهبود اوضاع اقتصادی جهان - مایه داری را جستجو میکند. سیاستی که در نیایس تا با متحد کردن کشورهای مصرف کننده نفت (امریکای غربی و ژاپن) امریکای در مقابله با شوروی تقویت نماید. سیاستی که در نیای شکستن اوک در آینده بد نبال انفراد سیاست عدالت طلبانه لیبی و الجزایر در درون اوک وهم اکنون در جهت ایجاد بلوک کشور های مترجع اوک، بدو عربستان سعودی و سایر برنامه مشترک است. این سیاست فعلا در مرحله کارپسوست تثبیت است و قدم اول این تثبیت واداری رژیم ارتجاعی شاه بقول نقشی دیگر کارگردان آرزوها و خیالات است که بهر حال نه مستلزم رفع بیعت ارشاه، بلکه در همان نیکسون و کیستگر در آن جای گرفته اند. این اول نیز بر مبنای تجارت گذشته روابط شاه با اربابا جدا بد یانگی اش در بری نخواهد آید. بقیه در همه





رفایت در... معنی است که میباید بروز تضاد بین نقشه های رژیم ارتجاعی شاه و واقعیت و مجدود پستیهای کثونی وی را درشتن یابی هرچه بیشتر تضاد های هم اکنون حاد جامعه ما منتظر باشیم، شرایطی که زمینه داد و برداری کند در پیشم های این افسی، دیویفت از خاک ایران آماده تر میکنند و راه راسیوی استقلال و آزادی میهن کشاده تر می نمایند در پایان سخن میباید کمی که هم درباری موضع سو- سیال امیرالیسم شوروی و دست نشانده گان بوی آنها رهبران حزب توده در مورد مساله اخروایک بگویم- اگر از تبلیغات عوام فریبانه شوروی که تحت عنوان باصطلاح دفاع از مبارزات کشورهای "جهان سوم" سنگ دفاع از مبارزات عادلانه اولیک را سینه میکوبد بگذریم، باید بگویم که از یکسو شوروی در این میدان نخست بحثی است نظاره گری است که میخواهد از هر تضادی در بین ارد و گاه رقیب اصلی خود، امیرالیسم آمریکا، سود جوید و بویژه اینکه در نیکی و سالیانی اخیر شکست سختی از آمریکا در منطقه خاور میانه شوریه است و به امید بازیس گرفتن نقش سابق خود بهر کجا چنگ می اندازد چه فروش اسلحه به ملک حسین باشد و بیارزیم کویته، چه چشک زد نهایی بیربط و بیارتب باشاه باشد و چه ادامی حصارا زادست خاکن. در همین میانهی شلوقی پس از کفرانس اولیک در دو وجه نیز شوروی کوشیده است از آب گل آلود بسود خود ماهی بگیرد و بیگناره پیشندان اولیک جدیدی با شرکت خوش و الحجازی و قوقاق ولیمی مطرح کرد نامت باشاید از این طریقه ها خود راسیوی فارت نامبر خود این کشورها باز نماید. از سوی دیگر و مگرو مسرت از آن بعنوان بزرگترین تولید کننده ی نفت در جهان در حقیقت اکنون همان نقش را ایفا می نماید که کمیانهایی نفتی پس از نخستین افزایش بهای نفت لیمی ایفا نمودند بدین ترتیب که هر بار پس از افزایش بهای نفت اولیک، شوروی نیز بهای نفت خود را بالا میرد و بموجب قرارداد GOMCON که سال گذشته در سوهارت بست کشورهای (بازار مشترک کشورهای اروپای شرقی) تحمیل گردانست بهای نفت خرید اری شده و آنها را بیرونی برمیانی بهای نفت اولیک افزایش میباید. اما جالب اینکه اینبار این افزایش برای کشورهای اروپای شرقی به مراتب بیش از افزایش بهای نفت کشورهای اولیک بود. اگر چه اکثر افزایش بهای نفت کشورهای ضوا اولیک ۱٪ بود، افزایش بهای نفت شوروی برای کشورهای "گامون" بین ۲۲٪ تا ۳۴٪ در سال جاری خواهد بود. البته تنها قریبانی این سیاست امیرالیستی شوروی، کشورهای اولیک وابسته اند و در اروپای شرقی نیستند بلکه کشورهای چون هند و فلانند نیز که بعدی نفتشان را از شوروی خریداری می کنند، امثال گرفتارین "محبت برادرانه" افزایش بهای نفت شده اند و اینجاست که شوروشوق شور و ی در افزایش هرچه بیشتر بهای نفت اولیک تحت لوسای "دفاع از مبارزات ضد امیرالیستی" روشن تر میشود. اما در مورد عادلین گوی کرملین، یعنی در مورد ستخان حزب توده و باید گفت که کفرانس دو وجه و نتایج آن و برخورد آنها به مسائل وارد یگر ما هیت عوام فریبانه " تبلیغات ضد رژیم " آنها را روشن نمود. دشواری پیمایی مردم (۱۷۱۷۰) که یکی پیش و دیگری پس از کفرانس دو وجه منتشر شده است بسیار ما هیت سازشکار و ارتجاعی این در اردو ستده است، در حالیکه ایان در شماره ۱۷۰ پایتشی بیی خواست شاه در ایره کاهش بهای نفت، مع ما مرز با به سازشکاری رژیم شاه را بلند میکنند، در شماره ی بعد گوئی که بیک باره ما هیت رژیم شاه در گزیده شده باشند به ابراز شغف و خوشحالی از کاره گیری شاه از غربستان می برد از نده و به تأیید سیاست رژیم ایران مشغول میشوند. خائنین کیمته مرکزی همیشه در برخورد به د سیاست متفاوت در رد و ردن ارد و گاه امیر- یالیسم، آنها را در زن خود امتد اند. میدهند و از آن سیاست متفاوت که در هر دو میان یک ما هیت و آنهم ما هیت ارتجاعی و ضد خلقی است، دو ما هیت یکی روشن بینانه و مرتقی و یکی ارتجاعی بیرون کسی کنند. آنها یکی از د سیاست ارتجاعی امیرالیستی را که با منافع اربابان کرملینی شان ولا جرم منافع خود شان بخواند، بزرگ میکند و "واقع بینانه" و "مرتقی" اثن میخوانند. این بار نیز ایان در برخورد به سیاست ارتجاعی رژیم شاه در کفرانس دو وجه چنین کرده اند. ایان جانی امیدی می بینند که افزایش بروق مراد شود یعنی چون سابق به راحتی و آسایش و البته با اجازیه مسکو بتوانند مدح و ثنای شاه را گویند و تقاضای حزب قانونی بنمایند و اینک نیز در این دوره ی گذاری تثبیت حکومت آمریکا، نزدیکی شاه با شوروی و در نتیجه امتیازگیری خود را جستجو میکنند و دیگر کاری به حرفها و شعارهای در هان پرکن گذشته

خود ندازند. اما برخورد مردم ایران و نیروهای مترقی جنبش سیاسی ایران الکل از این دشمنان دوست نماند است. تضاد بین ایران و عربستان و عربده ها و فریاد های ظاهر سازانهی رژیم شاه در مخالفت با کاهش بهای نفت که تضاد لایل نکرده در دستگاه است و نه هیچ دلیل دیگری، نه ریزه های از ما هیت ارتجاعی رژیم شاه میباید و نه زردی و وابستگی تا با ستخوان شاه راه امیرالیستی آمریکا نماندند. مردم آزاد بخواد و استقلال طلب ایران هرگز هیچ سیاست رژیم شاه را تأیید نکرده و نخواهند کرد. نفت ایران متعلق به مردم ایران است و شاه خاکن این سنگ زنجیری امیرالیسم آمریکا چه بلند پارس نام- بدوجه کوتاه، چه به پروبای عربستان بیباید و چه "برادرانه" بروی جفتش خاکن میزند، هیچ حقیقت نه در افزایش و نه در کاهش بهای و مقد ارتولید آن و نه در فروش و نه در عدم فروتنش در ارد و اینباره زمان مردم ایران عنوان کرده اند و امروزه رساتر از هر بار جانی میکنند و بیش از هر زمان شرایط ارباری مبارزات این دلال توگرفت که تا امروز ثروت ملی ما را به ثمن شخص به غارت اربابان جهانخوارش داده است آماده می کنند و کثیر این خیانت نیز سالیهاست که در شمسار "سرگ شاه" تعیین شده است.

حقیقت قرار است که "پشتگامان" این "جریان اصلاحی" هم خود آمریکا و نوبده های ریز و درشتش باشند تا دیگران. سرمقاله ی دیگری در همان جریده برونی ابعاد این سیاست گرفتن انگار عمل "را بوی میده: "سیاسته ازان وانگتن... باید در پی نوبت آن عاصری در حکومتهای خارجی باشند که خواهان دوری از اختناق و بیرونی سوسی تقسیم دلانه مزایا هستند" و البته اگر چنین کنایتی وجود داشته باشند "تا نیکد از ماست" و ادامه میده که اینکار می تواند از طریق حرمی "نان قندی و جماف" پیش برده شود. غرض جریده نامرده از حرمی "نان قندی و جماف"؛ "انتظور که خود معترف است، افعال باره ی فشارها در این برخی اشتیازات در زمینه های تبلیغاتی و اقتصادی است. در دیزرتو آنچه گفته شد مطلق "تعمیر" روشن امیرالیسم آمریکا اشکال و اهدا آفر چنین میتوان خلاصه کرد: الف- آمریکا بسبب مبارزه ی خلقهای جهان در برابر تجاوزات جنگ افروزی ها و فارتگرهای سخت رسوا گردیده است. ب- با مبارزه ی خلقها همراه با تشدید تضاد های درون امیرالیستی و ضعف و بحران اقتصاد جهان سرمایه داری آمریکا را به موقعیت خطرناکی کشانیده است. ج- شرایط ایجاد ایجاد میکند آمریکا برای نجات خود از بحران اقتصادی و تحکیم موقعیت جهانی خود و حکومتهای وابسته، دست به برخی تغییرات و اصلاحات روشهای تکنیکی تجدیدی "در سیاست عمویشیزند. د- این تغییرات از یک سو تلاش در جلب اعتماد کشورهای اروپا و ژاپن و کوشش در متحد نمودن متحد آنان با خود در مقابل امیرالیسم شوروی است، و از سوی دیگر انجام برخی تغییرات جزئی در کشورهای چون ایران، کره... در جهت محکم تر نمودن حکومتهای متزلزل این کشورها. ه- این تغییر روشها در سیاست آمریکا همراه با شدت یابی فشارهای میان گروهبندی های مختلف سیاسی اینکسور، در مبین ما بصورت تشدید تضاد های درونی حکومتی حاکمه ی مرتجع و سیربندی ایران و نیز تضعیف نفوذ دولت شاه بعنوان یگانه زاندار امیرالیسم آمریکا در منطقه (در بعضی تقویت موقعیت برخی کشورهای دیگر چون عربستان) انعکاس خواهد یافت. و اینک ما به بررسی برخی جوانب تکنیکی اخیر میروا...

بهمین سبب هم امروز اگرچه کسانی در میان هیئت حاکمه ی آمریکا و پادشاهان در ایران، انتقادات دروفینی به "حکومت شکی برتر" از جمله در ایران بنمایند و ظاهرا طالب "موکرا- سوسی" هستند، لکن منافع عمومی امیرالیسم اسادار در منصف سلطه ی دربار محمد زشانه و تحکیم آنست. چرا دربار محمد رضا شاه ؟ زیرا درباریان هواره بعنوان با وفاترین سگان قتلاره بگردن امیرالیسم و بویژه امیرالیسم آمریکا عمل کرده اند. و در نانی باند مطلقه ی محمد زشانه، محکمتین و قدرت خند ترسین تکیه گاه امیرالیسم آمریکا در کشور است و هیچکس باند از این از امکانات لازمه ی بیارویدن طمع امیرالیسم برخوردار نیست. در اینجا باید از بهرمان خاکن روزهیست حزب توده نیز یاد کرد که همراه با گروههای خلق السلفه ی بی نام و بیانی که هر یک در سران در آخوئیگی از امیرالیستهاست، به این درون در میزند تا از راه دور بازی با ارد شوروی شاه و "خالفین درباری" و غیر درباری، آرزوهای خود را محقق کند. "بسیه" شد در کما یوز خود را طمع نوبه و با سوار شدن بر کیمته مردم، "انتیازاری از ارتجاع حاکم بگیرند. ایان از همین جریان "گارتسم" توشده اند و زوند تا از موقعیت های طلایی" بهره گرفته هم خود به نان و نواهی برسند و هم تاج و تخت استبداد را از تیغ انقلاب مردم نجات دهند.

نظایر آنکه که قیمت خون هزاران زخمکش و آزاد بخوادا برقی در درونهای مختلف جنبش مردم بدست آمده، بویژه مانده دوران قبل از ۲۴ خرداد، باید توجه خاطر همه را نسبت به این نوظله ها و درونهای بیاند های مختلف امیرالیسم و ارتجاع جلب کند و بهر از آن خود جنبش انقلابی آماده باشد تا شرایط کنونی و آتی سوار گردد.

ناراضی عمومی از وضع سخت نا هنجار اقتصادی و نفرت و انزجار همی مردم از استبداد افشارکیختی محمد زشانهی هوای ایران را طوفانی نموده است. جنبش های وسیع کارگری و دانشجویی برانگیزی در دهانی، فشار طبیعی بر حکومت شاه وارد آورده و انحصارگرها و قلد زشانه و لشکرکشیهای رژیم شاه به کشورهای همسایه، همراه با وضع نا هنجار اقتصاد کشور، این حکومت را برینگی و تضاد نموده است.

در چنین شرایطی که جامعه در تب بحران میسوزد، انتصا کارتریست جمهوری ایالات متحده و سیاستهایی که وی به نفع ای ایران را طوفانی نموده است، جنبش های وسیع کارگری و دانشجویی برانگیزی در دهانی، فشار طبیعی بر حکومت شاه وارد آورده و انحصارگرها و قلد زشانه و لشکرکشیهای رژیم شاه به کشورهای همسایه، همراه با وضع نا هنجار اقتصاد کشور، این حکومت را برینگی و تضاد نموده است.

ناراضی عمومی از وضع سخت نا هنجار اقتصادی و نفرت و انزجار همی مردم از استبداد افشارکیختی محمد زشانهی هوای ایران را طوفانی نموده است. جنبش های وسیع کارگری و دانشجویی برانگیزی در دهانی، فشار طبیعی بر حکومت شاه وارد آورده و انحصارگرها و قلد زشانه و لشکرکشیهای رژیم شاه به کشورهای همسایه، همراه با وضع نا هنجار اقتصاد کشور، این حکومت را برینگی و تضاد نموده است.

در چنین شرایطی که جامعه در تب بحران میسوزد، انتصا کارتریست جمهوری ایالات متحده و سیاستهایی که وی به نفع ای ایران را طوفانی نموده است، جنبش های وسیع کارگری و دانشجویی برانگیزی در دهانی، فشار طبیعی بر حکومت شاه وارد آورده و انحصارگرها و قلد زشانه و لشکرکشیهای رژیم شاه به کشورهای همسایه، همراه با وضع نا هنجار اقتصاد کشور، این حکومت را برینگی و تضاد نموده است.

در چنین شرایطی که جامعه در تب بحران میسوزد، انتصا کارتریست جمهوری ایالات متحده و سیاستهایی که وی به نفع ای ایران را طوفانی نموده است، جنبش های وسیع کارگری و دانشجویی برانگیزی در دهانی، فشار طبیعی بر حکومت شاه وارد آورده و انحصارگرها و قلد زشانه و لشکرکشیهای رژیم شاه به کشورهای همسایه، همراه با وضع نا هنجار اقتصاد کشور، این حکومت را برینگی و تضاد نموده است.

ناراضی عمومی از وضع سخت نا هنجار اقتصادی و نفرت و انزجار همی مردم از استبداد افشارکیختی محمد زشانهی هوای ایران را طوفانی نموده است. جنبش های وسیع کارگری و دانشجویی برانگیزی در دهانی، فشار طبیعی بر حکومت شاه وارد آورده و انحصارگرها و قلد زشانه و لشکرکشیهای رژیم شاه به کشورهای همسایه، همراه با وضع نا هنجار اقتصاد کشور، این حکومت را برینگی و تضاد نموده است.

ناراضی عمومی از وضع سخت نا هنجار اقتصادی و نفرت و انزجار همی مردم از استبداد افشارکیختی محمد زشانهی هوای ایران را طوفانی نموده است. جنبش های وسیع کارگری و دانشجویی برانگیزی در دهانی، فشار طبیعی بر حکومت شاه وارد آورده و انحصارگرها و قلد زشانه و لشکرکشیهای رژیم شاه به کشورهای همسایه، همراه با وضع نا هنجار اقتصاد کشور، این حکومت را برینگی و تضاد نموده است.

ناراضی عمومی از وضع سخت نا هنجار اقتصادی و نفرت و انزجار همی مردم از استبداد افشارکیختی محمد زشانهی هوای ایران را طوفانی نموده است. جنبش های وسیع کارگری و دانشجویی برانگیزی در دهانی، فشار طبیعی بر حکومت شاه وارد آورده و انحصارگرها و قلد زشانه و لشکرکشیهای رژیم شاه به کشورهای همسایه، همراه با وضع نا هنجار اقتصاد کشور، این حکومت را برینگی و تضاد نموده است.



مداحان فاشیسم

مجله دنیا، نشریه تئوریک و سیاسی رژیونیست های حزب توده در شمارهای شهریورماه خود و مقاله از نشریات اربابان مسکونی خویش، یکی از "زیوستیا" مدخله مسائل فلسفی درباره پیششهای ایدئولوژیک زمانه ایران، بحاج رسانیده تا بدین ترتیب نشان دهد که امیریالیستهای روس در صف مخالفان رژیم شاه قرار داشته و در نتیجه از جمله پشتیبانان مردم ایرانند. حزب توده در واقع از طریق مدخله این مقاله خواسته بر روی واقعیت که رژیونیستهای مسکونی از هنگام انقلاب سفید تاکنون انواع کمپهای سیاسی، ایدئولوژیک، اقتصادی و نظامی رژیم نیکه‌کار شاه کرده اند، و نیز بر روی این واقعیت که جرایم و بنگاه‌هایی در سبب برپایی امیریالیسم نوپای روس در طی این رژیم شاه و توجیه اقدامات ضد مردمی آن، با مرکز تبلیغاتی اربابان شاه رقابت میکرد و میکند، سرپوش گذارد و مردم مارادرباره ماهیت واقعی اتحاد شوروی امروز و در اورد سنتی حزب تودفکونی فریب داده و گمراه گرداند. بهمین دلیل نیز گرداند که حزب رژیونیست توده، در برابری این واقعیت که اندکی پس از رخ مفاصلی که در برابری نظامیگری دولت ایران در مرحله "زیوستیا" ارتشبد طوفانهای مشاور و دل‌العدیه‌های سازماندهی خرید اسلحه، بدعوت مقامات دولتی و نظامی شوروی از آنگسور و تأسیسات نظامی آن باز در رسمی بعمل آورد و حتی شاه، چند ماه پس از رخ مقاله مذکور باز در مصاحبه با خبرنگار انگلیسی "بیزینس ویک" در ۱۸ فوریه از امکان خرید اسلحه از شوروی مانند سابق سخن گفت، هیچ حرفی ننمودند. و نیز به این واقعیت هم اشاره نمیکند که همزمان با ادعای مقاله مذکور در "زیوستیا" مستشاران نظامی روس به سربازان توپخانه ارتش شاه در اصفهان تعلیمات نظامی میدهند و نیز در پاریس ایران از جمله سوارپرانوچه‌ها و گشتیهای روسی و همچنین به توبهای ساخت صنایع نظامی شوروی از صنایع امیریالیسم آمریکا در آبهای خلیج فارس و دریای عمان حفاظت میکنند. رژیونیستهای کمیتجی در برابری هیچ یک از این حقایق حرفی ندرند که بزندان.

باشند امیریالیسم قرار داشت، بدست خود گرفتند!! البته شاید به همین دلیل بوده که همی امیریالیست‌انریاست جمهوری ایالات متحده تا هفتاد و شش شرکت‌شلی (یکی از صنایع مسکونی) این عمل "جسود" را نهی اغلیحضرت را تیریک گفتند!

کتر کسی است که در روابطی عمیق صنایع و اقتصاد ایران به امیریالیسم دچار شده و شبیه‌ش باشد. این را حتی جرایم رژیونیستهای کمیتجی مرکزی خراتحت عنوان "ششید وایستی ایران به امیریالیسم اعتراف کردی" اند. اما رژیونیستهای مسکونی ناظر بر یکمرتبه در میان کشورهای در حال رشد ایران نخستین کشور است که نظم جدیدی در روابطی خود با سرمایه‌های خارجی ایجاد کرده است. (ایران) کمپانیهای مختلفی ایجاد کرده و قرارداد های تجارتی با هدف بخشدن گرفتن صنایع، تجارتی و بازاریابی کمپانیهای خارجی منعقد نموده تا در ریجابه تسلط کامل بر مصرف منابع نفتی ملی خود بدست یابد. "وسرانجام شاید ان سوسیال امیریالیست، واقعیت خیانتکارانه و وطن فروشیشهای هیئت حاکمی ایران را که بر هیچ کس پوشیده نیست، چنین فیلسوفانه تحریف کرده اند: "ریک کلام محافل هیئت حاکمه ایران در این نمیتواند تضاد های آنها (رژیم سوسیالیسم) در اینده که این نمیتواند تضاد های آنها با برخی در ول سرمایه داری شدت بخشد. "و نیز بدلیل آنکه رژیم شاه نسبت به کمپانیهای امیریالیستی هر روز "سخنگیر تر میشود!" کمپانیهای رقیب، امکانات خود را از دولت ایران دریغ نمیکنند!!

در برابری مسئله رشد اقتصادی ایران و میل شدن آن بیک کشور پیشرفته صنعتی، که ستون فقرات تولیدات رژیم را تشکیل میدهد نظرات مداحان مسکونی شاه پس کتف و ضد انقلابی است. آنها با انگارین واقعیت که یک رژیم فاشیست و آسیائی که با تمام قوا با سبب اروپا سبب کهن فتودالی و نیمه فتودالی در روستا توده و اقتصاد ایران را بیک زاندهی عقب مانده صنایع امیریالیستی بدل کرده است بر همین ماحکومت میکند، با انگارین واقعیت که این رژیم بدلیل ماهیت و ترکیب طبقاتی متاستیست نه حمایت از صنایع و کشاورزی، بلکه بروردن و بالاندن دولتی، رشود خوری، بورس بازی زمین و ده هادامت دیگری که با هرگونه رشد اقتصادی کشور در تضاد است، میباید، با انگار اینکه کشور ما اکنون بسوی یک رکود و ورشکستگی اقتصادی و فقر و فلاکت بیشتر در حرکت است و نه شکوفایی و رشد اقتصادی، و بیجان مینویسند که "این یک امکان واقع بینانه است که ایران در قرن اخیر بر عقب ماندگیهای اقتصادی خود غلبه خواهد کرد. . . ایران هنوز به شکستهای پیشرفته نیویست است ولی در بر روی بیستویست به صف انستاست. ایرانت قابلیت انفرادی که در عرض (۱۰ تا ۱۵ سال سطحی رسد که مشخصه کشورهای پیشرفته اروپای غربی در اوایل دهه ۱۹۵۰ بود"

این سند کتف و سنگین، بنابه اقتضای صنایع دراز مدت سوسیالیسم شوروی و نقدی آنان در کشاندن سرمایه داری بوروکرات و ولتی بزرگ سلطه‌ی خود، ماهیت طبقاتی رژیم استبدادی - فاشیستی بورژوا بوروکراتها و زمینداران بزرگ فتودال و سرمایه دار را نیز در گوشه جلوه میدهد. و از وجود جرمات و قوا سوسیالی فرمیسیت در هیئت حاکمی ایران "ولا طلاله" می آید این قبیل در میزند و سرانجام یکی از ضمیمه ترین تحلیل‌های خود را بدین ترتیب عرضه میکند: "بورژوازی بزرگ ناراضی خود را با سیاست (دولت) در یکرشته مسائل اجتماعی و سیاسی ایران زکرده است. حتما خواننده تصور خواهد نمود که در انستند ان رژیونیست شوروی، علت این ناراضی را هجوم انحصارگرانی سرمایه‌داری دولتی و در ایران را پیرشاه برای قبضه کرده همی رشته های اقتصاد کشور در دست خود عنوان خواهند کرد. اما خواندن ادامی جمله ویرا از اشتباه خارج خواهد کرد. این انتقاد بدعت این واقعیت است که رژیم حاکم (یعنی دربار سیاه محمد رضاشاه) بمیزان زیادی نقص مانیجری رزمین طبقه کارگر و بورژوازی ایفا میکند!!"

سالمها، نیروهای انقلابی ایران و خاصه کمونیستها، این دعای رژیونیستهای حزب توده را که "انقلاب سفید" شاه یک "فرم مترقی" و یک محصول جنبش توده مردم است، در کرده و نشان داده اند که "انقلاب سفید" شاه بجز یک توطئه و مانور ارتجائی در مقابل جنبش انقلابی مردم و مبارتی "یک فرم امیریالیستی" چیزی نبوده است. حالا اربابان مسکونی کمیتجی چهایی حزب توده کشف تازه‌ای کرده اند: "آیا میتوان آنچه را که (در ایران) بقیه در صفا

حزب توده در راه فریب کارگران

همی رژیم‌های محافظ منابع سرمایه داران، برای قانونی نمودن استثمار و محاصره کارگران آزاد ترساختن راه نمیدهند این استعمار، بزرگترین قوانین رنجمانه و ضد کارگری بنام قانون کار، با اجرا میگرداند. با اینحال خود سرمایه داران باین قوا - نین خود ساختنهم پایبند نبوده و همیشه از صدها راه، همسین قوانین را هم در جهت استثمار بازم و محاصره تر کارگران، زیر پای مینهند. در همین مانیز رژیم حاکم، رژیم بی قانونی و بی رویگی است که هر مامور سازمان انستیش، دادستان و قاضی، پلیس و مأمورین دادان، و خلاصه همه کاره است. خود حکم میکند و خود اجرا. قوانین این رژیم و از آن جمله قانون کارش، قوانین زور و قدرتی و فاشیسم است. با چنین رژیم، طبقه کارگرها، نه با زبان قانون، بلکه تنها با زبان بیگاری و مبارزه انقلابی است که سخن تواند گفت.

روایتی ملاحظه نمیشود از هرگونه نیهت خود بخودی کارگری در تحمیل بیکرته خواستهای کارگران به سرمایه داران و از تلاش بحق کارگران در بهبود وضع اسفنازندگی خود و از جمله تغییر قوانین کار سرمایه داران در جهت منافع کارگران حمایت منطقی، جای تردید نیست. اما بر این واقعیت نیز نمیتوان سوسوخی نهد که در هر جامعه طبقاتی، قانون کارگری جز تنظیم قانونی روابط میان استثمارگر و استثمارزنده نیست، گفتارنگار میگوید سخن بر سر تنظیم این روابط است، اینرا هرگز در خود، در آرای جنبه شرقی نبوده و در هر حال به اساس استثمار کارگران بسوی سرمایه داران کاری ندارد. از بدین منافع در زمینه ت انستیشن و تغییر قوانین، قانون کارتری در جامعه سرمایه داری وجود نداشته و نتواند هم داشت.

طبقه کارگران ایران، بدین به سرانجام رسانیدن انقلاب دموکراتیک ایران نمیتواند به خواسته های سوسیالیستی خود دست یابد و جامعه سوسیالیستی آنی ایران را بنا نماید. بهمین دلیل نیز کارگران برای بهبود وضع زندگی خود و از جمله تنظیم قوانین کار که در آن منافع و خواستهای طبقه کارگر، با توجه به مرحله کنونی انقلاب ایران گنجایش نده شده باشد، تلاش نمیکنند. این خواست تغییر قوانین کار و تنظیم یک قانون کار جدید، از جمله خواستهای بحق نیهت کارگری ایران است.

اما طبقه کارگر ایران در زندگی خود، در نتیجه مبارزاتی سبب بیرونی دریافت است که تا من این اجتماعی و زندگی بهینرا از طریقی گنجایش کمپانیهای استثمارشی و خود ریکه قوانین کار، در تحت رژیم انترالمللی، رژیم محافظ منافع ملاکان سرمایه داران وابسته و اربابان نامکن است و نامکن تر از آن اجرای چنین قوانین کاری از سوی چنین رژیم است؛ در پیاشته که تنها از راه سرکونی رژیم نیکه‌کار بپولی، از راه کسب آزادی سیاسی است که میتوان برای تنظیم و اجرای چنین قوانین کاری بطور جدی تلاش نمود. آری، تنها در ایران بود که این مسئله و مسائل اجرای قانون کاری بنفع زمینکشان ممکن است، بهمین سبب نیز امروز، خواست آزادی سیاسی، خواست سرکونی رژیم که آزادی سیاسی و همه چیز دیگر از جمله مردم ایران گرفته است، در سرکونی خواستهای طبقه کارگران قرار داده و مردم ترین خواست اوست.

تجزیه و تفکیک خانی حزب توده، در این مورد نیز دست به ترفیع واقعیات زده و اینطور ادعا میکند که گویا اکنون، نه خواست آزادی سیاسی، بلکه خواست تغییر قوانین کار، مهمترین خواست طبقه کارگر است. یعنی کار بر همین جا نیز خاتمه ندهد و عملاً تبلیغ مینماید که گویا در تحت رژیم کنونی، اجرای قانون کاری که در برگیرنده می خواسته های درگیر طبقه کارگری باشد، شدنی است.

حزب توده، در تلاش برای فریب کارگران و منحرف نمودن نشان از سرپرست مبارزه، از جمله در نمایان نموده ۱۳۵۰ نوشت: "تنظیم قوانین کار در هر کشور سرمایه داری عرصه مبارزه جدی طبقه طبقاتی است. محتوی آن تناسب نیروها در تضاد میان کارورس و مایه نشان میدهد. گفتن چنین دروغ بزرگی به کارگران قهرمان ایران، تنها از عهده ی کلان‌شاه حزب توده ساخته است. معنی این باطلی حزب توده اینست که طبقه ی کارگر ششلا در کشور ما که کمیتجی آنها را بعد از کشورهای سرمایه داری - شمارند، بجای آنکه نیروی خود را مصروف مبارزه ی سیاسی با حکومت نیکه‌کار شاه که در عرصه جدی ترین مبارزه ی طبقه طبقاتی است مینماید، بجای آنکه در عرصه مبارزه ی سیاسی، مبارزه بسرای سرکونی رژیم شاه و کسب آزادی سیاسی برای خود و برای همه ی مردم، در پیشانی همی نیروها قرار گرفته و سیاست خود را اعمال نیاید، به یک جهان زدن با سرمایه داران و دولت آنها بسبب گنجایش فلان بندو بجهان تبصره در قوانین کاریک هیچ گاه اجرا نمیشود و نتواند هم شده، ببرد از دست آخر هم بجایی نرسند. کمیتجی چهاسموند که اگر قانون کاری فلان شکل نوشته شود، تناسب نیروها در تضاد میان کارورس و سرمایه نشان میدهد. اما کارگران میدانند که اکنون هم بدنیاست چیزی بنام قانون کار در کشور ما وجود دارد. (که انفاقیاسیاری انزود آن برابری با مبارزه و خواستهای طبقه کارگران در سالهای ۲۷-۱۳۲۰ تنظیم کرده است). اما آیا اینسین قوانین، تاکنون کوچکترین سد را مقابل استثمار و محاصره کارگران بدست سرمایه داران بوده است؟ آیا چنین چیزی واقعیت ندارد که رژیم شاه که به هیچ قانونی پایبند نیست، حتی بسیاری ازنده‌ها و موارد هم قانون کارگونی را هم زیر پای گذارده و اجرا نموده است؟ اینها همه

حقیقت را بخوانید نشانی پستی ما:
ITL
P.O. BOX 1148
2200 Aarhus, N.
Denmark.
در میان مردم
پخش کنید!